

بررسی انتقادی روش تصحیح خوان اخوان ناصر خسرو

احسان رئیسی*

چکیده

خوان اخوان تاکنون دو بار به چاپ رسیده است: یک بار در مصر به دست یحیی الخشاب و یک بار در ایران، توسط علی اکبر قویم. مشکلات فراوانی در روش تصحیح هر دو چاپ وجود دارد که موجب شده است هم متنی مضبوط از این اثر در دست نباشد و هم در سایر تحقیقاتی که از این متن بهره جسته‌اند، کاستی‌هایی راه یابد.

در این مقاله با بررسی انتقادی روش تصحیح در دو چاپ موجود از خوان اخوان، تحلیل ویژگی‌های زبانی و محتوایی این اثر و نیز پیگیری تأثیر آن‌ها در پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، تأثیر تصحیح روشمند بر تحقیقات حوزه تاریخ زبان فارسی، سبک‌شناسی و لغت تبیین شده است. افزون بر آن، دیگر کاستی‌ها و ایرادات چاپ‌های خوان اخوان نشان داده شده، و به اثبات رسیده که به احتمال قریب به یقین، چاپ علی اکبر قویم از روی متن یحیی الخشاب فراهم آمده است.

کلیدواژه‌ها: ناصر خسرو، خوان اخوان، تصحیح، یحیی الخشاب، علی اکبر قویم

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۱

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان / ehsan.reisi@gmail.com

مقدمه

خوان اخوان یکی از آثار مهم ناصرخسرو (۳۹۴-۴۸۱ق) است که هم از نظر زبانی و هم از نظر علمی بسیار مهم است.^۱ از حیث زبان، این اثر در زمره متون دوره نخست فارسی فارسی دری جای می‌گیرد و به لحاظ علمی نیز، مباحث مهمی از افکار و اعتقادات اسماعیلیه را در بر دارد. خوان اخوان تاکنون دوبار به چاپ رسیده است؛ نخستین بار در مصر و بار دیگر در ایران. اما مشکلات فراوان موجود در هر دو چاپ، موجب شده است هم متنی مضبوط از این اثر در دست نباشد و هم در سایر تحقیقاتی که از این متن بهره جسته‌اند، کاستی‌هایی راه یابد. این مقاله بر آن است که با معرفی و نقد چاپ‌های موجود خوان اخوان، تأثیر وجود متنی منقح از این اثر را بر دیگر تحقیقات ادبی، از جمله مطالعات در حوزه تاریخ زبان فارسی، پژوهش‌های سبک‌شناختی و لغوی نشان دهد، و با اشاره به مشکلات چاپ‌های قبل، بر ضرورت ارائه تصحیحی جدید از این اثر تأکید کند.

۱. ویژگی‌های خوان اخوان

آثار متعدد نظم و نثر بر جای مانده از ناصرخسرو، از نظر زبانی و علمی اهمیت بسیار دارند و ناصرخسرو در آن‌ها کوشیده است از زبان فارسی در تبیین مسائل علمی بهره بگیرد. این آثار گنجینه‌ای از لغات، ترکیب‌ها و اصطلاحات ارزشمند هستند و در برخی از آن‌ها، از جمله خوان اخوان، واژه‌ها و اصطلاحاتی به کار رفته است که در دیگر متون فارسی نمی‌توان نشانی از آن‌ها یافت.

ناصرخسرو در خوان اخوان مطالب حکمی و کلامی را با زبانی ساده، در صد بخش بیان کرده و هر یک از بخش‌های این کتاب را «صف» نامیده است. از مهم‌ترین موضوعات این کتاب: توحید، نبوت، معاد، وصی، امام، عدل، جایگاه و ویژگی‌های عقل و نفس و نقش و تأثیر آن‌ها در عالم است. خوان اخوان جزو متون دوره نخست فارسی دری و دارای ویژگی‌های متون این دوره است. به نظر ملک الشعرا بهار: «... کتب ناصرخسرو علوی که

۱. در باب صحت انتساب خوان اخوان به ناصرخسرو دیدگاه‌هایی مطرح شده است (نک: عمادی حائری، ۱۳۸۴: ۱۷-۲۰).

در نیمه دوم قرن پنجم تألیف یافته است و با شیوه نثر سامانیان برابر است و غالب الفاظ و ترکیبات و اصطلاحات قدیم را در آن رسالات به قرار اصل می‌بینیم» (بهار، ۱۳۵۶: ۶۳/۲). برخی از ویژگی‌های نثر خوان اخوان عبارت است از:

۱. افعال و اسامی کهن

در متن خوان اخوان افعالی چون «نشاختن»^۱، «الفغدن» و «اوکندن» به کار رفته که از افعال کهن دوره نخست به شمار می‌روند (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۳۶۰/۱؛ بهار، ۱۳۵۶: ۳۳۰/۱). «الفغدن» در دیگر آثار ناصر خسرو نیز به کار رفته است (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۱۳۶، ۱۸۸، ۴۴۴؛ همو، ۱۳۶۳: ۱۰۶، ۱۴۹، ۲۹۳). همچنین در خوان اخوان، در همه جا به جای «زبان»، «زفان» آمده است.

۲. پسوند کهن: «اومند»

این پسوند که بازمانده «mant» پارسی باستان است و در کلماتی چون «درداومند» و «زمانومند» استفاده شده (خانلری، ۱۳۶۵: ۱۴/۳-۱۵) و بدین صورت کهن در خوان اخوان نیز در یک موضع به کار رفته است: مزدومند (اس، ۴۳ الف).

۳. کاربرد «و» به جای «ب» در ابتدای کلمات

این ویژگی که در غالب متون کهن دیده می‌شود (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۶۹/۲-۷۰، ۴۱/۳؛ بهار، ۱۳۵۶: ۳۳۳/۱) در خوان اخوان نیز وجود دارد. در این متن کلماتی چون «وازماندند» (بازماندند)، «وازجستن» (بازجستن) و «وی‌آغازی» (بی‌آغازی) به کار رفته است (نک: اس، ۱۱۳ الف، ۱۱۳ ب، ۱۲۰ الف).

۴. دگرگونی صامت‌ها / حذف

در خوان اخوان همه جا به جای «پادشاه»، «پادشاهی»، «گواه» و «گواهی»، به ترتیب «پادشا»، «پادشایی»، «گوا» و «گوی» آمده است:

«ای هوشیاران، اندر یابید معنی پادشایی خویش بر دیگر جانوران» (اس، ۱۹ ب؛ صو، ۲ ب)

«بدانید که من چون خویشتن را پادشا یافتم بر جانوران» (اس، ۲۰ الف؛ صو، ۳ ب)

«چون چیزها را حقیقت هست و حواس بر آن گویایی همی دهد» (اس، ۲۴ الف؛ صو،

۱۱۰ الف)

۱. به معنی نشانیدن (نک: دهخدا، ذیل «نشاختن»)

«از بهر آن که عقل را به گوا حاجت نیست از بیرون خویش» (اس، ۴۳ الف؛ صو، ۲۰ الف)

کاربرد «همچند» و «چند» در معنی برابری

در خوان اخوان نیز مانند برخی متون این دوره از جمله سمک عیار، الابنية عن حقائق الادوية، هداية المتعلمين في الطب (خانلری، ۱۳۶۵: ۳/۳۶۸) و نیز تاریخ بلعمی و تاریخ سیستان (بهار، ۱۳۵۶: ۲/۱۳۵-۱۳۶) «همچند» و «چند» در معنای «برابر» به کار رفته است:

«گوییم که هرکجا دو چیز برابر شوند یا هر دو به بزرگی چند یکدیگر باشند یا یکی از دیگری بزرگتر باشد. و چون درست شود که یکی از آن دو چیز از یار خویش بزرگتر نیست و نیز کهنتر از او نیست درست شده باشد که همچند اوست...» (اس، ۵۸ الف).

در دیگر اثر ناصر خسرو یعنی زاد المسافر نیز چنین است (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۲۲۵، ۲۲۹، ۲۳۶).

۵. به کار نبردن میانجی «ی» در کلمات جمع «دانایان/داناان»

نگاشتن کلماتی از این دست (دانایان، پارسایان و ...) بدون «ی» میانجی (داناان، پارساان و ...) از ویژگی‌های متون دوره نخست فارسی محسوب می‌شود (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۲/۸۸؛ بهار، ۱۳۵۶: ۱/۳۸۱). در خوان اخوان نیز «داناان» به جای «دانایان» (اس، ۷۲ ب) آمده است.

۶. «پیدا» در معنی آشکار

کلمه «پیدا» که در زبان پهلوی به صورتهای paidāg، paydag، pēdag آمده در متون دوره اول زبان دری در معنی صریح و آشکار بسیار به کار رفته است (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۲۴۵/۳). در خوان اخوان نیز «پیدا» برای ترجمه «مبین» عربی به کار رفته است: «أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا لكن الظالمون اليوم في ضلال مبین [مریم/ ۳۸]، گفت: بشنوان و بنمای ایشان را آن روز که سوی ما آیند و لكن ستمکاران امروز اندر گمبودگی پیدااند» (اس، ۱۹ الف).

۷. کنیه‌های عربی

در متون دوره نخست معمولاً در کنیه‌هایی که با «ابو» آغاز می‌شود همزه از ابتدای آن حذف می‌گردد (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۸۵/۲-۸۶). در خوان اخوان نیز در همه کنیه‌ها همزه از ابتدای کنیه حذف شده است: بویعقوب، بوالحسن، بوالهیشم، بومحمد.

۸. تبدیل مصوت «ای» به «کسره» و بالعکس

در این دوره تبدیل مصوت «ای» به «کسره» و برعکس رخ می‌دهد: نگرستن (نگریستن)، چنم (چینم)، دگر (دیگر) (همان، ۶۱/۲) شگفت (شگفت) و فریشته (فرشته) (همان، ۶۲/۲). در خوان اخوان در همه مواضع به جای «نگریستن»، «نگرستن» و به جای «فرشته»، «فریشته» آمده است.

۹. کلمات غریب و ابداعات ناصر خسرو

در این اثر کلماتی وجود دارد که یا منحصر به نثر ناصر خسرو است یا بندرت در دیگر متون دیده شده است. برای مثال واژه «جاکول» (به معنی «واقف و مسلط») ظاهراً فقط در آثار ناصر خسرو مشاهده شده است^۱: یک‌بار در زاد المسافر (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۳۷۰)، سه‌بار در روشنایی‌نامه (نک: همو، ۱۹۴۸م: ۱۴-۱۵ و ۲۳-۲۴) و هفده بار در خوان اخوان. همچنین «بودش» به معنی «وجود» از ابداعات ناصر خسرو به شمار می‌رود (نک: بهار، ۱۳۵۶: ۱۵۳/۲).

نیز کلماتی از قبیل «گمبوده [شد]، گمبودگی، گمبوده‌تر» که در ترجمه «اضل» ضلال و «اضل» در خوان اخوان آمده، به‌ندرت در متون دیگر از جمله تفسیر کهن قرآن مجید (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۲۴۵/۳) و زاد المسافر (ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۱۹۵) نیز دیده شده است. کلماتی چون «همگوشه، همگوشگی» نیز از این دست واژه‌ها به شمار می‌روند که علاوه بر خوان اخوان، در زاد المسافر (همان، ۶۴) و گشایش و رهایش (۱۳۹۰ ناصر خسرو: ۷۱ و ۱۱۵) نیز استفاده شده‌اند.

۱۰. اندر/ در

«اندر» که در پارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه وجود داشته، در متون کهن فارسی

۱. کرباسیان و کریمی زنجانی اصل، ۱۳۸۳، معتقدند که واژه «جاکول» فقط در روشنایی‌نامه و خوان اخوان آمده است، در صورتی که در زادالمسافر نیز یک‌بار به کار رفته است (نک: ناصر خسرو، ۱۳۸۳: ۳۷۰).

دری نیز به همراه صورت مخفف آن یعنی «در» به کار رفته، اما به تدریج «اندر» جای خود را به «در» داده است (خانلری، ۱۳۶۵: ۳/۳۸۰). در متن خوان اخوان ۱۵۳۵ بار کلمه «اندر» و ۵۵ بار کلمه «در» به کار رفته است (به ازای هر ۱۰۰ بار «اندر» حدوداً ۳/۵ بار «در»).

۲. معرفی نسخه‌های خطی و چاپ‌های خوان اخوان

الف) نسخه‌های خطی: از خوان اخوان تاکنون دو نسخه شناسایی شده است:

۱. نسخه خطی مورخ ۶۷۴ق که به شماره ۱۰۶۲FY در مجموعه خالص افندی در کتابخانه دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود. این نسخه که به ترتیب در بردارنده روشنایی نامه و خوان اخوان است در ۲۷ صفر سال ۶۷۴ق در ۱۴۰ برگ^۱ به خط نستعلیق به دست محمد بن ابی طالب بن ابی القاسم الحسینی کتابت شده است.

گرچه این نسخه دو صفحه از ابتدای خوان اخوان و حدود چهار برگ از بخش نخستین اثر را ندارد، اما نسخه بسیار مضبوط و بااهمیتی است. ثبت صحیح واژگان کهن، حفظ صورت ملفوظ کلمات با استفاده از حرکت‌گذاری آن‌ها و علاوه بر آن تاریخ کتابت نسخه - حدود دو قرن بعد از وفات ناصر خسرو - موجب شده که اهمیت این نسخه دو چندان گردد. میکروفیلم این نسخه به شماره ۱۶/۴ در کتابخانه مرحوم مینوی موجود است، اما به دلیل آسیب دیدگی قابل استفاده نیست. در این مقاله از این نسخه با علامت اختصاری «اس» یاد می‌شود.

۲. نسخه خطی مورخ ۸۶۲ق که به شماره ۱۷۷۸/۱ در کتابخانه ایاصوفیا نگهداری می‌شود. این نسخه افتادگی ندارد و به خط نستعلیق خوانا کتابت شده است. از ویژگی‌های مهم این نسخه کم‌غلط این است که در آن از علائم نگارشی برای مشخص کردن پایان جملات و پایان بندها استفاده شده است. عکس این نسخه به شماره ۶-۰۱۴۲ در کتابخانه ملی ایران موجود است. نسخه مذکور، در این مقاله به اختصار «صو» نامیده می‌شود.

ب) چاپ‌های خوان اخوان: خوان اخوان دوبار به چاپ رسیده است^۲: نخستین بار در

۱. در فهرس نسخ خطی ۱۳۷ برگ ذکر شده که به دلیل اشتباه در شماره‌گذاری صفحات است.

۲. مشخصات چاپ دیگری از خوان اخوان نیز در سامانه کتابخانه ملی موجود است: «خوان اخوان» ←

سال ۱۹۴۰م (حدود ۱۳۱۹ش) در قاهره به دست یحیی الخشاب، نسخه کتابخانه ایاصوفیا، تصحیح و چاپ شده است، و بار دوم در سال ۱۳۳۸ش، به اهتمام علی اکبر قویم. بر اساس شواهد و دلایلی که در ادامه به تفصیل خواهد آمد، به احتمال بسیار زیاد قویم همان متن خشاب را - بدون اشاره به اصل آن و با اندکی تغییر که معمولاً به متن آسیب زده - در ایران به چاپ رسانده است. به طور کلی متن مصحح خشاب مضبوط تر و بسیار پاکیزه تر و کم غلط تر از چاپ قویم است. در این مقاله از متن خشاب و چاپ قویم به ترتیب با علائم «خش» و «قو» یاد می شود.

۳. نقد چاپ های خوان اخوان

۳-۱ تأثیر تصحیح منقح خوان اخوان بر سایر تحقیقات: مشکلات موجود در چاپ های خوان اخوان به سایر تحقیقاتی که از خوان اخوان به عنوان منبع استفاده کرده اند، خلل هایی راه یافته است؛ از جمله در مطالعات حوزه تاریخ زبان فارسی، سبک شناسی و لغت. بر این اساس، ابتدا برخی ویژگی های زبانی خوان اخوان که در دیگر پژوهش ها اثر گذاشته، بررسی و در بخش بعدی مقاله متن خوان اخوان در تصحیح «الخشاب» و «قویم» نقد می شود.

الف) مطالعات تاریخ زبان فارسی

خوان اخوان ویژگی های متون دوره نخست فارسی را داراست، اما چون متن منقحی از آن در دست نیست، در حوزه مطالعات تاریخ زبان فارسی به این اثر توجه نشده است. برای مثال در کتاب تاریخ زبان فارسی خانلری که یکی از مهم ترین تحقیقات در این زمینه است، گرچه مؤلف نام خوان اخوان را در ابتدای جلد دوم جزو منابع مورد استفاده ذکر کرده، اما در سه جلد این کتاب فقط یک بار از خوان اخوان یاد شده است (نک: خانلری، ۱۳۶۵: ۱۵/۳)؛ این در حالی است که ویژگی های زبانی خوان اخوان با متونی چون تاریخ بلعمی،

ناصر خسرو، با مقدمه و تصحیح محمد کریمی زنجانی اصل، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳، ۴۰۰ص). در جست و جوی های کتابخانه ای اثری از این کتاب یافت نشد. ناشر مذکور (انتشارات اساطیر) نیز از وجود چنین کتابی اظهار بی اطلاعی کرد.

ترجمه تفسیر طبری، تاریخ سیستان و امثال این‌ها همگن و هماهنگ است. مصادیق بی‌توجهی به ویژگیهای زبانی خوان اخوان در چاپ‌های موجود بدین شرح است:

۱. بی‌توجهی به حذف «ی» میانجی: «دانان» در متن خشاب (ص ۱۱۱) و چاپ قویمی (ص ۱۳۰) به صورت «دانایان» آمده است.

۲. بی‌توجهی به دگرگونی صامت‌ها و حذف «هاء» از آخر کلماتی چون «پادشاه» و «گواه»: قویم در همه مواضع به جای «پادشا، پادشایی، گوا و گوایی»، «پادشاه، پادشاهی، گواه و گواهی» آورده است. خشاب نیز در برخی مواضع صورت اصیل کلمات را حفظ نکرده است، برای مثال «گوایی» را به صورت «گواهی» آورده است.

۳. بی‌توجهی به تبدیل مصوت «ای» و «کسره» به یکدیگر: فعل «نگرستن» ۱۵ بار در خوان اخوان تکرار شده که قویم فقط در یک موضع (ص ۲۵۵) آن را به همین صورت اصیل آورده و در ۱۴ موضع دیگر «نگریستن» ذکر کرده است. همچنین کلمه «فرشته» و ترکیبات آن ۳۱ مرتبه در خوان اخوان آمده که قویم در ۱۰ موضع آن را از صورت اصل تغییر داده و به صورت «فرشته» ثبت کرده است.

۴. بی‌توجهی به افعال کهن: به تفصیل خواهد آمد که در متن خشاب و قویم فعل «نشاختن» وجود ندارد. همچنین قویم در همه جا صورتهای مختلف فعل «اوکندن» را به «افکندن» بدل کرده است.

۵. بی‌توجهی به استعمال کهن اسامی: در خوان اخوان ۱۷ بار کلمه «زفان» تکرار شده و در همه این مواضع قویم به جای «زفان»، «زبان» آورده است.

۶. بی‌توجهی به کاربرد «و» به جای «ب» در آغاز کلمات: چنان که اشارت رفت در متن خوان اخوان کلمات «وازماندند» (بازماندند)، «وازجستن» (بازجستن) و «وی‌آغازی» (بی‌آغازی) به کار رفته است. قویم بدین موضوع کاملاً بی‌توجه بوده و کلمات مذکور را چنین آورده است: «بازماندند» (ص ۲۷۰)، «بازجستن» (ص ۲۳۲)، «بی‌آغازی» (ص ۲۴۷).

ب) مطالعات سبک‌شناختی

از جمله مشکلات سبک‌شناختی در چاپ‌های خشاب و قویم این‌هاست:

۱. بی توجهی به ترکیب «از بهر ... را»: این ترکیب ۱۸ بار در خوان اخوان آمده است، اما گویا قویم با این ترکیب آشنایی نداشته و به همین سبب در ۱۵ موضع «را» را از این ترکیب حذف کرده و در متن نیاورده است.

۲. بی توجهی به علامت‌های جمع: در خوان اخوان کلمه «کس» و ترکیب‌های آن ۳۶ بار تکرار شده است (کسان ۱۶، کسانند ۱، کسانی ۵ و کسها ۱۴ مرتبه)؛ بنابراین نسبت کاربرد «کسان» به «کسها» ۲۲ به ۱۴ است اما در متن قویم همه جا به جای «کسها»، «کسان» ثبت شده است و بنابراین در متن مذکور اثری از جمع «کس» با «ها» وجود ندارد.

۳. بی توجهی به پیشوند کهن «واز»: در دو موضع از متن خوان اخوان پیشوند «واز» بر سر فعل آمده است: «وازماندند»، «وازجستن». این دو فعل در متن قویم - که منبع خانلری در تدوین تاریخ زبان فارسی بوده - به صورت «بازجستن» و «بازماندند» آمده است. این بی توجهی نه تنها در کتاب مذکور بلکه در سبک‌شناسی بهار هم نمود یافته است. بهار پیشوندهای فعل را چنین بر شمرده است: «باء تأکید، میم نهی، می، همی، بر، ور، اندر، فرا، فرو، فراز، باز، با، وا، فا، ها، الف نفی، نون نفی، میم نهی و دعا» (بهار، ۱۳۵۶: ۳۳۳/۱). خانلری نیز پیشوندها را چنین شمار کرده است: «اندر، در، اباز، باز، بر، فرا، فراز، فرو، فرود، وا، ها، با، بی، پس، پیش، نا، هم» (خانلری، ۱۳۶۵: ۴۱/۳). بنابراین، پیشوند «واز» در این هر دو اثر مغفول مانده و جزو پیشوندهای کهن به شمار نیامده است.

۴. بی توجهی به ویژگی‌های نثر ناصر خسرو: یکی از ویژگی‌های نثر ناصر خسرو در خوان اخوان، کاربرد صیغه متکلم مفرد به جای صیغه متکلم جمع در ترجمه عبارات قرآنی است. این موضوع را هر دو نسخه خوان اخوان تأیید می‌کنند و در تمام مواضع نیز رعایت شده است. در چاپ خشاب و قویم در همه مواضع مذکور، در متن تصرف شده و صیغه جمع معادل صیغه جمع قرار داده شده است.

ج) لغت

یکی از واژه‌های کمیاب که در متن خوان اخوان فقط یک بار به کار رفته «حرشات» است. این واژه مقلوب «حشرات» و ترجمه «همج» عربی است. خشاب که در خواندن این کلمه دچار تردید بوده، علامت سؤال جلوی آن نهاده است.

قو: «رسول - صلی الله علیه و آله - گفت: «النَّاسُ عَالِمٌ أَوْ مَتَعَلِّمٌ وَسَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ»،
گفت: مردمان بجملگی دانش دهنده‌ای است و دانش‌پذیر و دیگر مردم فرومایه و گول
است» (ص ۱۶۱).

همج ه گفت مردمان بجملگی دانش دهنده است و دانش پذیر و دیگر مردم خرها
است^(۱) (؟) و چون گوئیم جهانی مرکب گفته شود که آنچه او را درازا و بالا
خش:
(ص ۱۳۶)

و دیگر مردم هرسان ملت

اس:

و دیگر مردم حرشات است

صو:

این واژه فقط در لغت‌نامهٔ دهخدا - آن هم به نقل از «منتهی الارب» - ثبت شده، اما
برای آن شاهدی ذکر نشده است (نک: دهخدا: ذیل «حرشات»). کاربرد این کلمه در خوان
اخوان می‌تواند شاهدی برای این لغت باشد.

۲-۳. نقد چاپ‌های متن خوان اخوان

نقد این دو چاپ در سه بخش صورت می‌گیرد: هم‌سانی متن قویم با متن خشاب؛
مشکلات تحقیق در اثر؛ مشکلات تصحیح متن.

الف) هم‌سانی متن قویم با متن خشاب

شواهد زیر نشان می‌دهد که قویم به احتمال قریب به یقین متن خوان اخوان را از
تصحیح خشاب برگرفته است:

۱. هم‌سانی در اغلاط چاپی و بدخوانی‌ها: در برخی از مواضع، اغلاط چاپی و ویرایش
خشاب عیناً در چاپ قویم تکرار شده است. برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:
خش (ص ۱۸۵)، قو (ص ۲۱۵): «... بر نفسهای ناطقه که آن فریشگانند [صح: فریشگانند]
اندر حدّ قوّت...».

خش (ص ۲۰۸)، قو (ص ۲۴۲): «و بر کلید دندانهای نباشد که بدو در کشاده [صح: گشاده]

شود تا همه دندانها [صح: دندانها] به هم نباشد... جوینده را چیزی کشاده [صح: گشاده] شود از کار دین. و هر چند جهد کند به کشادن [صح: گشادن] در ... چون از کلید دندانهای کم باشد، جهد کشاینده [صح: گشاینده] سود ندارد». (در این مواضع رسم الخط نسخه را تغییر نداده‌اند)

خش (ص ۲۰۵)، قو (ص ۲۳۸): «و هرگاه که مردم عمل شریعت نکند و علم راه [صح: را] از راه عمل اندر نپذیرد...».

خش (ص ۱۹۸)، قو (ص ۲۳۱): «... وز او باریده بر جملگی عالم بر چیزهای [صح: چیزهایی] که اندر اوست از نفس نامیه و حسیه و ناطقه و بویها و رنگها اندر شگوفها [صح: شکوفه‌ها] و مزها [صح: مزه‌ها]...».

خش (ص ۱۶۱)، قو (ص ۱۸۹): «و مبدع حق کلمت خویش را دور کرده است از گرانه [صح: کرانه] شدن».

خش (ص ۱۳۹)، قو (ص ۱۶۴): «و اقرار [صح: قرار] جسم مردم که او راست‌تر از همه جسمها است بر چهار طبع است».

خش (ص ۲۵۱)، قو (ص ۲۹۰): «و دور باد دست حرام‌خواران و می‌گساران و بی‌پاکان [صح: بی‌پاکان] و ناپاکان از این صفهای خورشهای جان‌افزای به رحمت ایزد داد از [صح: دادار] دادفرمای بخشاینده مهربان نیکوکار».

خش (ص ۱۲۶)، قو (ص ۱۵۰): «و بدین قول که گفتیم [صح: + نفس مردم از] نفس کل، جزو است نه اثر، نه آن خواستیم که جزو پاره‌ای از اوست کهتر و مهتر...».

خش (ص ۲۴۳)، قو (ص ۲۸۲): «و خلق را بفرمود راهی [صح: رای] بدان کردن...».

خش (ص ۱۸۷)، قو (ص ۲۱۷): «آنچه اندر حدّ قوت باشد گردنده باشد از حال به حال، و آنچه از حال به حال گردنده باشد مر او را به چیزی یابند کز حال به حال نگردد، و آنچه کردند [صح: گردنده] را بدو یابند عقل است که او از حال به حال گردنده [صح: گردنده] نیست».

خش (ص ۱۶۰)، قو (ص ۱۸۷): «وگر حسد، غذای [صح: عذابی] بزرگ نبودی خدای تعالی... نفرمودی از او پرهیزیدن...».

۲. هم‌سانی پانویس‌ها: خشاب در بخش‌هایی از متن پانویس‌هایی افزوده است. بیشتر این پانویس‌ها به همان شکل و در همان مواضع از متن قویم وجود دارد (نک: خشاب/۳۱ و قویم/۳۹؛ خشاب/۱۱۱-۱۱۲ و قویم/۱۳۰-۱۳۱؛ خشاب/۱۲۰ و قویم/۱۴۱؛ خشاب/۱۲۶ و قویم/۱۶۱؛ خشاب/۲۰۶ و قویم/۲۴۰؛ خشاب/۲۲۰ و قویم/۲۵۶؛ خشاب/۲۲۲ و قویم/۲۵۸).

۳. همسانی در پاراگراف بندی: به غیر از شماره و عناوین «صف»ها و نیز بخش هایی با عنوان «معارضه» و «جواب» که معمولاً همه باید در بند جدید نوشته شود، متن خشاب ۷۸ بند دارد و متن قویم ۷۳ بند؛ از این پاراگراف ها ۷۱ بند عیناً در هر دو متن وجود دارد.
۴. همسانی در بی توجهی به علائم کتابت: به تفصیل خواهد آمد که در نسخه «صو» که در اختیار خشاب و قویم بوده، در سه موضع از علائم «خ» (مؤخر) و «م» (مقدم) استفاده شده اما در هیچ یک از چاپ ها بدین نشانه ها توجه نشده است.
۵. همسانی برخی از مواضع متن: خشاب در برخی مواضع، از علامت سؤال (?) استفاده کرده است. گرچه در اغلب این موارد، متن گویاست و دلیل درج علامت سؤال آشکار نیست، اما از مجموع شش علامت این چنینی که در متن خشاب آمده، سه علامت در متن قویم نیز تکرار شده است:

خشاب	قویم
پس بار ^(۱) دیگر (بار؟)	-
وقول أبو الحسن عامری (؟) اندر (ص ۱۱۴)	و قول أبو الحسن عامری (؟) اندر (ص ۱۳۴)
و پسرش حسن مسعود (؟)	-
احمد صالح (؟) که پیش (ص ۱۱۵)	آن احمد صالح (؟) که پیش (ص ۱۳۵)
و دیگر مردم خرها است ^(۱) (؟)	-
شرح آن گفتیم اندر کتاب (؟) . پس (ص ۲۰۲)	 (ص ۲۳۶)

ب) تحقیق در اثر

از مهم ترین مشکلات چاپ های موجود از خوان اخوان آن است که روش تصحیح در

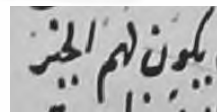
آن‌ها تبیین نشده است. البته خشاب نسخه مورد استفاده خود را معرفی کرده، اما قویم حتی اشاره‌ای به نسخه‌ها هم نکرده است. در هیچ یک از چاپ‌های مذکور بخش تعلیقات وجود ندارد، اما در برخی مواضع پانویس‌های توضیحی دیده می‌شود. خشاب در پایان کتاب فهرس نسبتاً مبسوطی آورده، اما قویم فقط به ذکر فهرست مطالب اکتفا کرده است.

ج) تصحیح متن

مشکلات مربوط به متن چاپ‌های خوان اخوان را می‌توان در چهار دسته تقسیم‌بندی کرد. توضیح آن که به دلیل مشکلات فراوان در چاپ‌های خوان اخوان - به‌ویژه چاپ قویم - اعم از اغلاط چاپی و سایر مشکلات، برای پرهیز از تطویل مطالب، در ذکر شواهد نهایت اختصار رعایت می‌شود.

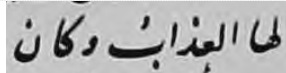
۱. بی‌توجهی به گزارش اختلاف نسخ

از مهم‌ترین مشکلات متون مصحح که در برخی متون دیده می‌شود، نبود گزارش اختلاف نسخه‌ها است. حتی اگر از هم‌سانی متن خشاب و قویم، و احتمال این‌که قویم متن خود را از روی تصحیح خشاب گرفته باشد، چشم‌پوشی شود، باز هم یکی از ضعف‌های هر دو متن بی‌توجهی به گزارش اختلاف نسخه‌ها است. چنان‌که ذکر شد، قویم نسخه‌های مورد استفاده خود را معرفی نکرده و هیچ گزارشی هم از اختلاف نسخ نداده است. خشاب نیز گرچه نسخه مبنای کارش (صو) را معرفی کرده، اما گاه در متن نسخه تصرف کرده و آنچه را به نظر خود صحیح دانسته در متن وارد کرده، اما متذکر این تصرف نشده است. برخی از مصادیق این اشکال بدین شرح است:



صو:

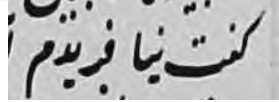
خش: يَكُونُ لَهُمُ الْخَيْرَةُ [خشاب نسخه «صو» را گزارش نکرده است] (ص ۱۴)



صو:

خش: لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ [خشاب نسخه «صو» را گزارش نکرده است]

(ص ۱۰۰)



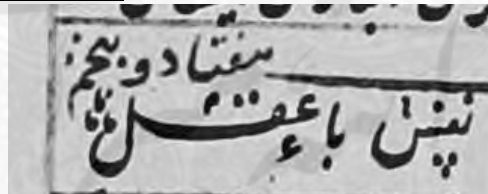
صو:

خش: گفت: نیافریدم [خشاب نسخه «صو» را گزارش نکرده است] (ص ۲۰۰)

۲. بی توجهی به علائم کتابت

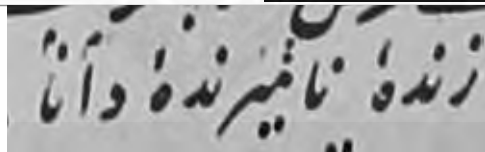
گرچه قویم به نسخه‌های استفاده شده اشاره‌ای نکرده، اما با توجه به دو تصویری که در متن آورده (ص ۱۶۴ و ص ۱۸۲) آشکار است که این دو عکس را عیناً از نسخه «صو» گرفته است. بنابراین فارغ از این که ممکن است قویم متن خوان اخوان را به طور کلی از تصحیح خشاب برگرفته باشد، می‌توان گفت خشاب و قویم نسخه «صو» را در اختیار داشته‌اند. در این نسخه کاتب در چند موضع از علامت «خ» (مؤخّر) و «م» (مقدم) برای اصلاح اشتباهات خود استفاده کرده است، اما مصححان، یا با این علامت آشنا نبوده‌اند، یا بدان توجه نکرده‌اند. بنابراین در متن چاپ‌های مذکور نادرستی‌هایی، به شرح زیر، به متن چاپ‌های مذکور راه یافته است:

خش (ص ۱۸۸)، قو (ص ۲۱۹): «سخن اندر خطاب نفس با عقل [صح: عقل با نفس]».



صو:

خش (ص ۲۴)، قو (ص ۳۱): «غرض او به آفرینش عالم روحانی پدید آوردن صورت زنده نامیرنده دانای [صح: دانای نامیرنده] بود».



صو:

خش (ص ۴۳)، قو (ص ۵۲): «قال ربّ بما أغويتني لأزیننّ فی لهم [صح: لهم فی] الأرض و لأغوینّهم أجمعین [حجر/ ۳۹]»، [خشاب در پانویس اشاره کرده که متن نسخه صحیح نیست]

صو:



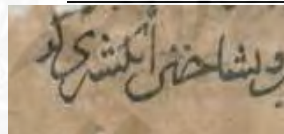
۳. بدخوانی

برخی اشکالات دو چاپ مورد بررسی نتیجه بدخوانی نسخه‌ها است. چنان که گفته شد خشاب و قویم نسخه «صو» را در اختیار داشته‌اند، که می‌توان با مطالعه آن‌ها بدخوانی‌های دو مصحح را باز شناخت. به علاوه، کاتب نسخه «صو» نیز گاهی دچار بدخوانی شده است. برخی از مهم‌ترین این بدخوانی‌ها عبارت است از:

خش (ص ۵۹): «و دلیل بر درستی این قول آن است که امروز صورتهای جزوی و هیولها [صح: هیولها] همی پدید آرد و [صح: - و] چون نگاشتن درودگر مر صورت در را بر چوب و بساختن [صح: نشاختن] انگشتری که [صح: انگشتری‌گر] صورت انگشتری را بر سیم» (ص ۵۹).

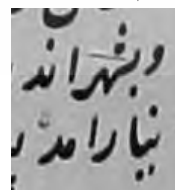
قو (ص ۷۰): «و دلیل بر درستی این قول آن است که امروز صورتهای جزوی و هیولها همی پدید آرد و [صح: - و] چون نگاشتن درودگر مر صورت در را بر چوب و زرگر [صح: نشاختن انگشتری‌گر] صورت انگشتری را بر سیم».

اس:



خش (ص ۱۲۰): «و اگر از بیرون شهر [صح: + کسی] گزدمی بگیرد و به شهر اندر آرد و رها کند آن گزدم تا از شهر بیرون نشود نیاز آمد [صح: نیارآمد]».

صو:

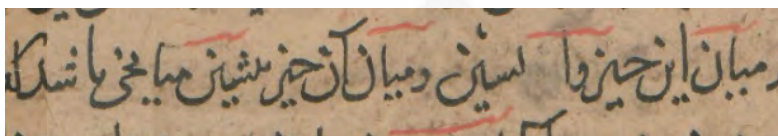


خش (ص ۵)، قو (ص ۹): «و دیگر، نام صورت است اعنی بهره [صح: چهره]، چنان که گویی ستور و نبات و میوه و جز آن و این نامهاست که بر صورتهای افتد [قو: افتاده]».

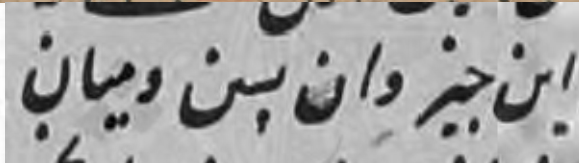
خش (ص ۳۲)، قو (ص ۳۹): «و هر چیزی که به روی [صح: رویی] از رویهای خویش

متناهی باشد، به همه رویها [قو: + خویش] متناهی باشد. [صح: + و چون مر این یک جزو عالم را نهایت است دلیل است که همه جزوهایش را نهایت است، و چون همه جزوهای او متناهی باشد کلّ او متناهی باشد]».

خش (ص ۵۵)، قو (ص ۶۶): «... هر چیزی که بر چیزی دیگر باشد میان این چیز و آن پسین [صح: واپسین] و میان آن چیز پیشین میانجی باشد که آن چیز بازپسین بدان میانجی از آن چیز پیشین پدید آید».



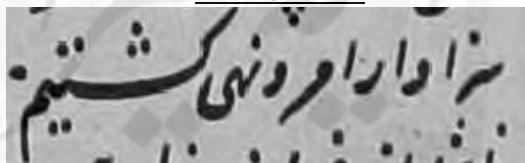
اس:



صو:

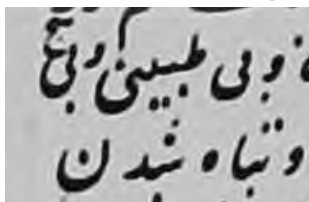
خش (ص ۵۷)، قو (ص ۶۹): «و نبات نباشد تا گوهرهای گذارنده و ناگذارنده [صح: گذازنده و ناگذازنده] نباشد، و جواهر نباشد تا طبایع نباشد».

خش (ص ۷۹)، قو (ص ۹۴): «و چون عقل اندر ما پیدا شد و معرفت توحید و معرفت رسالت بیافتیم سزاوار امر و نص [صح: نهی] گشتیم».

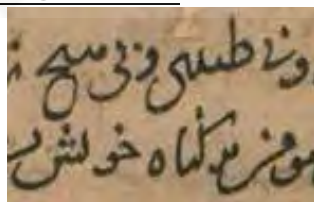


صو:

خش (ص ۹۷)، قو (ص ۱۱۴): «و گوهر نفس گوهریست که هم صورت نیکو پذیرد و هم صورت زشت بی هیولی و بی طبیی [صح: بی طینتی] و بی هیچ زمان».



صو:



اس:

خش (ص ۲۰)، قو (ص ۲۷): «چنان که [صح: + شرح] آن اندر کتاب «مصباح» که پیش از این کتاب مر آن را تألیف کردیم گفته شده است [صح: + و نفس را پذیرای علم و عمل آفرید]

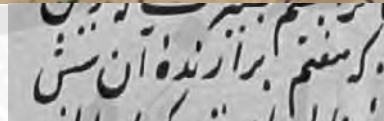
و شناسای خیر و شرّ تا نیکی و صلاح بیلفنجد و بدی و فساد را دست باز دارد تا بدین روی مر
نفس را صورت ابدی پیدا آید بلکه خودش او از آن باشد، و آن را خدای اندر قرآن «نشاط
[صح: نشأة] [خشاب در پانویس درست حدس زده است] الآخرة» خوانده است».

اشاره دارد به آیه شریفه: قل سیروا فی الأرض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله ینشیئ النشأة
الآخرة إن الله علی کل شیء قدير (العنکبوت/۲۰).

خش (ص ۸۸)، قو (ص ۱۰۳): «و نیز اتفاق است میان اهل علم و حکمت که صورت
مردم، عالم صغیر است و عالم بزرگ، ایشان [صح: انسان] کبیر است».

خش (ص ۷۹)، قو (ص ۹۴): «... دین خدای هم به شش جهت او تمام شود، که هفتم، بر
اندازه [صح: برآورده] آن شش باشد. و از بهر آن دین خدای مانده عالم بایست که
حاصل از عالم [صح: + مردم] بود که باز پسین زایش عالم بود...»

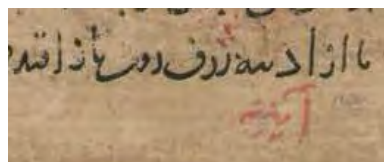
اس: 

صو: 

قو (ص ۲۶۵): «و مثال این حال اندر مطبوعات پیداست، چنان که اگر صد سال مهر بر
چوبی همی تابد، آن چوب سوخته نشود به قوت آفتاب و لکن چون آفتاب اندر بلور
گذرد، تا از آینه ژوف رویی [صح: آینه ژرف رویی] بازافتد، در وقت آن چوب که برابر
آن باشد آتش گیرد».

خش: سوخته نشود قوت آفتاب و لکن چون آفتاب اندر بلور گذرد تا از (آینه)
آینه ژوف رویی باز افتد در وقت آن چوب که برابر آن باشد آتش گیرد، و چون

(ص ۲۲۸)

اس: 

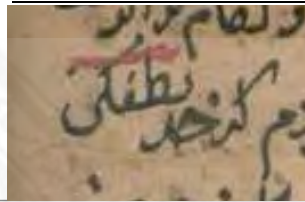
اس:

صو:



خش (ص ۱۷۵)، قو (ص ۲۰۵): «نفس نامیه آغاز است از بودش جسد مردم کز حدّ بطفلی [صح: نطفگی] همه [صح: همی] بالذ بر مثال نبات...»

اس:

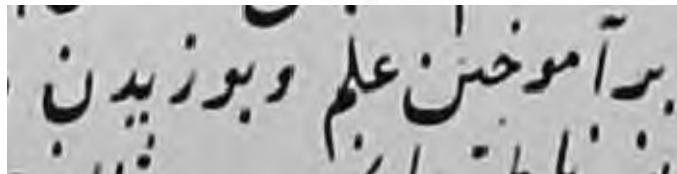


۴. کاستی‌ها

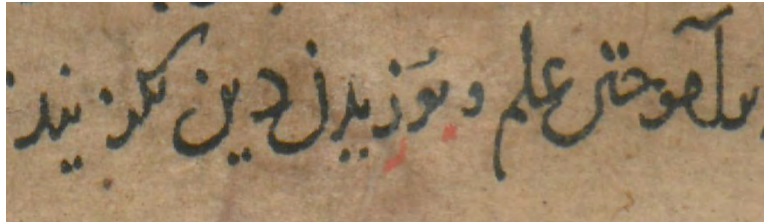
دسته دیگری از مشکلات متن را - که به دلیل در اختیار نداشتن نسخه‌ای دیگر - پیدا شده است، می‌توان ذیل کاستی‌های متن گنجانند. خشاب نسخه مبنای تصحیحش را معرفی کرده، ولی قویم ذکری از نسخه‌ها نکرده است. از این رو، فرض می‌شود که هیچ یک از این دو مصحح نسخه دیگری در اختیار نداشته‌اند. مهم‌ترین کاستی‌های چاپ‌های خشاب و قویم از این قرار است:

در موضعی از متن خشاب و قویم و نیز نسخه «صو» کلمه «بوزیدن» آمده است: خش (ص ۸۶)، قو (ص ۱۰۱): «و آن، چنان باشد که مردم سپس آرزوهای [صح: + نفس] حسی رود و نادانی و ستوری را بر آموختن علم و بوزیدن دین بگزیند تا نفس حسی او مر نفس ناطقه را نجورد [صح: بخورد].... و چون بر آن خو کردند خو کردن ایشان بر آن فرمان آن بود که نفس ناطقه آن پیامبر مر نفسهای حسی ایشان را بخورد و با خویشتن یکی کرد.»

صو:



در نسخه «اس» نیز «بوزیدن» آمده اما با خط قرمز تصحیح شده است:



اس:

چنان که در متن هم آشکار است، کلمه صحیح در این موضع «برزیدن» یعنی صورت کهن «ورزیدن» است.

قو(ص ۱): «و شکر مر آفریدگار مایه و همها را که جزوهای او گرد گرفته است مر کل جسمها را تا از یک روی اوهام اندر جسمها است [صح: + و از دیگر روی اجسام اندر اوهام است]».

خش(ص ۱۱۹)، قو(ص ۱۴۱): «و وقتی از دیوار کهن دژ [خش: در] مرو برجی فرود آمد وز آن برج خنبره‌ای بیرون آمد اندر او پشه رویین نهاده چون مر آن را بیرون کردند پشه به شهر اندر آمد و مردمان را رنجه کرد [صح: + تا باز مر آن پشه رویین را هم اندر آن خنبره کردند و جایی نهان کردند و پشه از شهر بیرون شد]».

خش(ص ۱۲۲)، قو(ص ۱۴۵): «همچنین زندگی و حرکت اندر نفس، ذاتی است [صح: + و جسد، مردار شده است] و چون نفس با جسد همسایگان شوند جسد از نفس زندگی و حرکت بپذیرد عرضی...».

قو(ص ۳): «این آیت همی دلیل کند که حکم اندر خلق مر امام راست [صح: + از فرزندان رسول و بازگشت خلق بدوست از بهر آن که به دیگر جای گفته است] که مردمان مؤمن نگردند...».

قو(ص ۱۹): «و معاد جای بازگشتی [صح: بازگشتن] باشد و هر شاگردی را بازگشت آن جهانی به دانا و آموزگار خویش [صح: + بود. اگر علم حق آموزد و راست باشد و عمل بکند به ثواب آموزگار خویش] برسد».

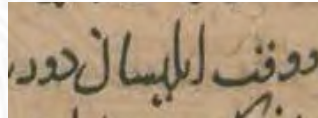
قو(ص ۲۰): «اما باید که مؤمن مستجیب مطیع و خاضع عالم باشد و گر عالم نباشد متابع خداوندان حق باشد و بداند که حق آن کس راست که خدای - تعالی - مر او را بگزیده است [صح: + و آن ناطق است وز پس او حق آن کس راست که ناطق مر او را بگزیده است] و آن کس که گزید ناطق است، گزیده خدای است».

قو(ص ۴۸): «و مردم که بر حدّ اعتدال آمد نه خاک مر او را به سوی خویش کشید [صح: + تا به چهار ستون بر پای باشد و نه آتش او را سوی خویش کشید] تا بپیریدی...».

قو(ص ۱۴۵): «چون جسد نادان به اصلهای نادان بازگشت، [صح: + دانستیم که نفس دانا به اصل دانای خویش بازگشت] و هر چیزی که به اصل خویش بازگردد».

خش(ص ۲۴۴)، قو(ص ۲۸۴): «و چون قائم حق آشکارا شود و وقت آید آن [صح: - آید آن، + ابلیسان] دور بدو شکسته شود، جز به فرمان او کسی دعوت نکند...».

اس:



قو(ص ۲۰۲): «این حال دلیل است که هر یکی از این سه حدّ روحانی را [صح: + اندر دو عالم اثر است و عالم روحانی] مانده است به گوهر ناگذاختنی...».

قو(ص ۲۱۶): «پس آن کس گمان برده باشد که شخص مردم فاضلتر از عقل [صح: + است و چون شناختن نیک از بد به عقل است نه به جسد، درست شد که عقل] بی جسد ایستاده است به ذات خویش».

نتیجه‌گیری

تصحیح غیر علمی یک متن کهن می‌تواند کاستی‌های بسیاری در دیگر تحقیقات زبان و ادب فارسی، از جمله پژوهش‌های مربوط به تاریخ زبان فارسی، سبک‌شناسی و تحقیقات حوزه لغت پدید آورد. نمونه تصحیحی این چنین، دو ویرایش خوان اخوان ناصر خسرو است که به سبب نبود متنی منقح از آن، بر تحقیقات مذکور تأثیر مهمی داشته است. چاپ‌های موجود از خوان اخوان، به دلیل بی‌توجهی به تصحیح روشمند و علمی، مشکلات فراوانی به آن‌ها راه یافته است. بنابراین، ضرورت دارد که خوان اخوان که از متون مهم و متقدم به شمار می‌رود بر مبنای اصول علمی و نسخه‌های معتبر مجدداً تصحیح شود.

منابع

- بهار، محمد تقی (۱۳۵۶). سبک‌شناسی، چاپ چهارم، تهران: کتابهای پرستو (با سرمایه انتشارات امیرکبیر).
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عمادی حائری، سید محمد (۱۳۸۴). «در باب آثار ناصر خسرو»، نامه انجمن، ش ۱۴، ص ۱۳-۲۲.
- کرباسیان، ملیحه؛ کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۳). «واژه «جاکول» و یک پیشنهاد»، نامه انجمن، ش ۱۵، ص ۹۱-۱۰۰.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵). تاریخ زبان فارسی، چاپ دوم، تهران: نشر نو.
- ناصر خسرو قبادیانی (۱۳۶۳). جامع حکمتین، تصحیح هانری کربن و محمد معین، تهران: کتابخانه طهوری.
- _____ (۱۳۵۹ق). خوان الاخوان، به تصحیح یحیی الخشاب، قاهره: المعهد العلمی الفرنسي للآثار الشرقيه.
- _____ (۱۳۳۸). خوان الاخوان، به اهتمام ع. قویم، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۹۴۸م). روشنایی‌نامه، تصحیح ولادیمیر ایوانف، قاهره: مطبع الکاتب المصری.
- _____ (۱۳۸۳). زاد المسافر، تصحیح و تحقیق محمد عمادی حائری، شرح لغات و اصطلاحات اسماعیل عمادی حائری، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۹۰). گشایش و رهایش، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، تهران: اساطیر.

نسخ خطی:

- اس: ناصر خسرو قبادیانی. خوان اخوان، نسخه خطی شماره ۲/۱۰۶۲FY. مجموعه خالص افندی، کتابخانه دانشگاه استانبول، مورخ ۶۷۴ق.
- صو: _____ . خوان اخوان، نسخه خطی شماره ۱۷۷۸/۱ کتابخانه ایاصوفیا، مورخ ۸۶۲ق.

